

سرفصل‌های جدید پیداری اسلامی

«فتوای امام، ارتداد سلمان رشدی و اصلاح طلبان مخالف این حکم»

محمد پور غلامی^۱

مقدمه

اینکه انقلاب اسلامی را به عنوان مبدأ مهم تاریخ حداقل در یکصد سال گذشته بدانیم، ادعای غلوآمیزی نیست. این ادعا را می‌توان از زوایای گوناگون مورد بررسی قرار داد. پیروزی انقلاب اسلامی باعث شد تا بنیان و بنیاد همه تئوری‌ها و نظریات غرب در زمینه حکومت، سیاست و علم الاجتماع از هم فرو پاشد و سیاسیون و اندیشمندان غربی به تجدیدنظر در آرا و نظریات خود مشغول شوند. به همین علت انقلاب اسلامی از همان ابتدا با انواع و اقسام تهدیدات و بحران‌های خارجی روبه‌رو شد. تفکر اومانیته غرب که برای خود غایتی جز این جهان نمی‌دید و نمی‌بیند، برای از میان برداشتن نظام سیاسی که اگرچه غایتش را در «عقبی» تعریف کرده اما غافل از معیشت و این دنیا هم نشده و از این جهت سرآمد همه نظام‌های سیاسی موجود در جهان است، از تمامی طرح‌ها و برنامه‌های موجود در حوزه منازعات نرم و سخت استفاده کردند. موج ترورهای اول انقلاب و شهدات متفکران و ایدئولوگ‌های انقلاب، جنگ هشت‌ساله تحمیلی، ایجاد

۱. کارشناس ارشد علوم سیاسی





تفکر اومانیته غرب که برای خود غایتی جز این جهان نمی‌دید و نمی‌بیند، برای از میان برداشتن نظام سیاسی که اگر چه غایتش را در «عقبی» تعریف کرده اما غافل از معیشت و این دنیا هم نشده و از این جهت سرآمد همه نظام‌های سیاسی موجود در جهان است، از تمامی طرح‌ها و برنامه‌های موجود در حوزه منازعات نرم و سخت استفاده کردند

شورش‌های داخلی و بالاخره تحریم‌های سی‌ساله، نمونه‌هایی از طرح‌های پیچیده دشمن برای فروپاشی نظام جمهوری اسلامی بوده و هست که هر کدام از آنها به تنهایی برای فروپاشی یک نظام و ملت کافی بود.

از طرفی دیگر انقلاب اسلامی درست در شرایطی رخ داد که جهان در اوج تنش‌ها و نزاع‌های فلسفی، ایدئولوژیک، سیاسی و اقتصادی بود. در آن زمان، الگوی نظام دوقطبی مبتنی بر نظریات غرب در حوزه روابط بین‌الملل سایه انداخته و کشورهای جهان به دو اردوگاه شرق و غرب یا کمونیسم و کاپیتالیسم تقسیم‌بندی شده بودند. انقلاب اسلامی درست در این شرایط و با درون‌مایه‌ای که گفته شد، به وقوع پیوست. بنابراین

اگرچه در بسیاری موارد غرب و شرق با هم اختلافات عمیق داشتند اما حداقل بر سر یک مسئله، یعنی مبارزه با انقلاب اسلامی و به شکست کشاندن آن اشتراک داشتند. اوج این موضوع را می‌توانیم در جریان جنگ هشت‌ساله ایران نه با عراق که با همه دنیا ملاحظه کنیم. در جنگ تحمیلی، از امریکا تا شوروی، از انگلیس تا هلند و از کویت تا عربستان و... به کمک عراق آمده و به دنبال فروپاشی انقلاب اسلامی بودند. هر چند در این موضوع نیز به مدد الهی و استقامت مردم غیور ایران شکست خوردند.

این استقامت و پایداری ملت و نظام ایران بر روی اصول و مبانی دینی و الهی، موجب شد تا از یک‌سو دشمنان انقلاب اسلامی به این نتیجه برسند که این انقلاب و نظام را نمی‌توان به شیوه‌های رایجی چون درگیری‌های فیزیکی و منازعات سخت از پای درآورد و از دیگر سو به وضوح مشاهده می‌کردند که انقلاب اسلامی باعث بیداری ملت‌ها و به خصوص جهان اسلام شده است. «بیداری مسلمانان» مسئله‌ای بود که همواره تمدن غرب از آن وحشت داشت و پربیراه نیست اگر بگوییم که وجه اصلی دشمنی تمدن غرب با انقلاب اسلامی به همین دلیل بوده است. آنها به خوبی دریافته بودند که انقلاب اسلامی به شرط تداوم خود، در مدت زمان کوتاهی می‌تواند مقدمات بیداری عالم اسلام و در مرتبه بعد بیداری مردم آزاده دنیا را فراهم کند.

بنابراین جنگ عراق و ایران که پایان یافت، رهبران سیاسی غرب تهاجم تازه‌ای علیه اسلام انقلابی و انقلاب اسلامی آغاز کردند. آنان در سال‌های قبل در جریان دفاع ایران

و در جریان رویارویی با حزب الله لبنان و جنبش اسلامی فلسطین و جهاد اسلامی افغانستان و ماجرای مرگ انور سادات به وسیله انقلابیون مسلمان مصری (۱۳۶۰/۷/۱۴) دریافتند که حرکت اسلامی رو به رشد را نمی‌توان با سلاح و از طریق نظامی متلاشی ساخت. بنابراین باید جبهه جدیدی می‌گشودند. این جبهه جدید، جبهه جنگ روانی، فرهنگی و ایدئولوژیک بود.^۱ در حقیقت زمانی که غرب در مقابله با رشد فزاینده اسلام که پس از پیروزی انقلاب اسلامی در جهان به وجود آمده بود فهمید که نمی‌تواند در جنگ سخت و نبرد فیزیکی به اهداف خود دست یابد، چاره را در آن دید که وارد منازعات نرم و استفاده از الگو و مدل‌های عملیات روانی علیه اسلام و ایران شود.

پایان جنگ فیزیکی و شروع جنگ نرم

شاید بتوان گفت اولین اقدام گسترده‌ای که پس از جنگ ایران و عراق در جبهه جنگ نرم علیه اسلام توسط غرب طرح‌ریزی شد انتشار کتاب *آیات شیطانی* نوشته سلمان رشدی و توزیع آن در سراسر جهان بود. سلمان انیس رشدی در یکی از خانواده‌های مرفه و مسلمان شهر بمبئی، در سال ۱۳۲۶ شمسی متولد شد. پدرش فردی مسلمان و آگاه به ادبیات ایران و عرب بود. تحصیلات ابتدایی خود را در مدرسه مبلغان انگلیسی‌زبان مسیحی در هندوستان گذارید و در سیزده سالگی برای ادامه تحصیلات به انگلستان رفت و دوران متوسطه را در مدرسه راگی انگلستان طی کرد. رشدی سپس وارد رشته تاریخ دانشگاه کمبریج شد و در سال ۱۳۴۷ شمسی پس از فارغ‌التحصیل شدن به پاکستان، نزد خانواده‌اش بازگشت و به مدت یک سال با تلویزیون پاکستان همکاری داشت؛ ولی دوباره عازم انگلستان شده و تبعیت آنجا را پذیرفت.^۲

محورهای عملیات روانی غرب با انتشار *آیات شیطانی*

جنگ‌جالی‌ترین کتابی که توسط سلمان رشدی منتشر شد کتاب *آیات شیطانی* است. این کتاب با پشتوانه مالی یک یهودی صهیونیست که مبلغ نیم‌میلیون پوند به عنوان کمک به سلمان رشدی پرداخت کرد برای آنکه از گسترش موج اسلام‌خواهی که به نحو فزاینده‌ای در جهان در حال انتشار بود جلوگیری کند، منتشر شد. بلافاصله پس از انتشار کتاب سلمان رشدی، *ساندی تایمز* معروف‌ترین روزنامه هفتگی چاپ

۱. حمید انصاری، *حدیث بیداری*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام/عروج، ۱۳۸۸، ص ۱۴۹-۱۴۸.

۲. زهره رضاییان، «حکم تاریخی حضرت امام(ره) درباره سلمان رشدی»، *گلیبرگ*، ش ۴۷.





این استقامت و پایداری ملت و نظام ایران بر روی اصول و مبانی دینی و الهی، موجب شد تا از یک سو دشمنان انقلاب اسلامی به این نتیجه برسند که این انقلاب و نظام را نمی توان به شیوه های رایجی چون درگیری های فیزیکی و منازعات سخت از پای در آورد و از دیگر سو به وضوح مشاهده می کردند که انقلاب اسلامی باعث بیداری ملت ها و به خصوص جهان اسلام شده است

لندن با تیراژی بیش از یک و نیم میلیون نسخه، ضمن معرفی این کتاب و نویسنده آن اعلام داشت: «آیه های شیطانی یک شاهکار ادبی است و همچون یک تابلوی هنری زیبا که هیچ رمانی در عصر ما به اوج آن نخواهد رسید»^۱ بنا بر این انتشار کتاب همان و شروع جنگ روانی سیاسیون غربی علیه اسلام هم همان. ابتدا در سال ۱۹۸۸ کتاب رشدی به عنوان کتاب سال انگلستان شناخته شد. سپس مؤسسات و ناشران مطرح و بزرگ کشورهای اروپایی، امریکایی و حتی بعضی کشورهای آسیایی با قراردادهای کلان برای ترجمه و توزیع آن مبادرت ورزیدند. بعد

از آن در نشریات اروپایی از سلمان رشدی به عنوان یک شخصیت انقلابی یاد شد و در نهایت سیاستمداران ایالات متحده نیز با دعوت از رشدی و همسرش به امریکا برای وی برنامه های سخنرانی متعددی در ایالت های مختلف امریکا ترتیب دادند.

البته انتشار این کتاب با واکنش های شدید و گسترده جهان اسلام نیز مواجه شد. چنانکه در پاکستان، مردم در مقابل مرکز فرهنگی امریکا در اسلام آباد تجمع کردند که به شهادت پنج تن و مجروح شدن یک صد تن انجامید. تظاهرات مسلمانان هند نیز بیست مجروح بر جای گذاشت. نمایندگان جناح های مختلف مجلس شورای ملی پاکستان، به نشانه اعتراض به روش و موضع گیری دولت و درگیری پلیس با مردم، جلسه را ترک کردند و دولت پاکستان، تحت فشار شدید مسلمانان غیور آن کشور قرار گرفت.^۲

فتوای امام خمینی، باطل السحر طرح ریزی غرب

اگرچه همان گونه که اشاره شد اقدامات و حرکات کوچک و محدودی در واکنش به انتشار کتاب *آیات شیطانی* در برخی کشورهای اسلامی شکل گرفت اما فقدان وجود یک برنامه و راهبرد مشخص، فراگیر و کارآمد برای برانگیختگی و بیداری جهان اسلام و مسلمانان به خوبی حس می شد. در این میان امام خمینی به عنوان یک عالم هوشیار و با درایت و در قامت یک استراتژیست بزرگ جهان سیاست، دست به اقدامی بی سابقه

۱. *بعاد توطئه و تبیین حکم* (گزیده مقالات پیرامون توطئه *آیات شیطانی* و حکم حضرت امام)، ستاد برگزاری سمینار تبیین حکم تاریخی امام خمینی. همان. ۲.

زد. اقدامی که می‌توان گفت «باطل‌السر» تمامی برنامه‌های طرح‌ریزی شده غرب و استکبار در این باره بود و موجب شد که این «تهدید» تبدیل به یک «فرصت» استثنائی برای جهان اسلام شود؛ فرصتی که از آن می‌توان به‌عنوان سرفصل جدیدی در موضوع «بیداری اسلامی» یاد کرد.

اقدامی که حضرت روح‌خدا در مواجهه با انتشار کتاب *آیات شیطانی* انجام دادند صدور فتوایی بود که به یقین دایره تأثیرگذاری و بسامد آن ده‌ها برابر بیشتر از فتوای میرزای شیرازی در جنبش تنباکو بود؛ که اگر فتوای میرزا تنها محدود به ایران بود فتوای امام خمینی موجب برهم ریختن کل جهان شد. امام در اقدامی بی‌سابقه، فتوای اعدام سلمان رشدی را صادر کرده و فرمودند:

بسمه تعالی

انا لله و انا اليه راجعون

به اطلاع مسلمانان غیور سراسر جهان می‌رسانم مؤلف کتاب *آیات شیطانی* که علیه اسلام و پیامبر و قرآن، تنظیم و چاپ و منتشر شده است، همچنین ناشرین مطلع از محتوای آن، محکوم به اعدام می‌باشند. از مسلمانان غیور می‌خواهم تا در هر نقطه که آنان را یافتند، سریعاً آنها را اعدام نمایند تا دیگر کسی جرئت نکند به مقدسات مسلمین توهین نماید و هر کس در این راه کشته شود، شهید است ان شاء الله. ضمناً اگر کسی دسترسی به مؤلف کتاب دارد ولی خود قدرت اعدام او را ندارد، او را به مردم معرفی نماید تا به جزای اعمالش برسد. والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته.

۲۵ بهمن ۱۳۶۷/۷ رجب ۱۴۰۹

روح‌الله الموسوی‌الخمینی^۱

بازتاب‌های حکم بی‌سابقه امام خمینی

این فتوای امام باعث ایجاد موج جدیدی از بیداری اسلامی در جهان شد. مجلس اعلیٰ اسلامی الجزایر نیز با انتشار بیانیه‌ای ضمن محکوم کردن کتاب، خواستار مجازات نویسنده آن شد. شیخ احمد سخنون بزرگ‌ترین روحانی الجزایر در پیامی خطاب به امام خمینی و علمای ایران، سلمان رشدی را مرتد و واجب‌القتل خواند. در این کشور

۱. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۲۶۳.





کتابی نیز با عنوان شیطان غرب علیه آیات شیطانی منتشر شد. سعید ایوب در قسمتی از این کتاب با درج کامل فتوای امام خمینی، به تجلیل از آن پرداخته و نوشت: «آیت‌الله روح‌الله خمینی، رهبر انقلاب اسلامی ایران با شجاعت و قبول مشکلات ناشی از این فتوا که غرب را علیه ایران بر می‌انگیزاند این فتوا را صادر کردند». نمایندگان ۴۷ کشور اسلامی در سازمان کنفرانس اسلامی نیز در هجدهمین اجلاس وزیران امور خارجه در اسفند ۱۳۶۷، کتاب آیات شیطانی را کفرآمیز خوانده و انتشار آن را به عنوان توهین به مقدسات امت مسلمان محکوم ساخته و همچنین نویسنده آن را مرتد اعلام نمودند.^۱ مسلمانان شهر بن آلمان تظاهرات گسترده‌ای در تأیید فتوای امام به راه انداختند. مسلمانان انگلستان نیز در تظاهراتی بزرگ، این کتاب و نویسنده‌اش را محکوم کرده و کتاب آیات شیطانی را به آتش کشیدند. در ایتالیا تعدادی از کتاب‌فروشی‌ها اعلام کردند که هنگام باز کردن در کتاب‌فروشی، با نامه‌های تهدیدآمیز مواجه شده‌اند. فدراسیون ملی مسلمانان فرانسه با انتشار اطلاعیه‌ای اعلام کرد از تمامی راه‌ها و امکانات قانونی برای جلوگیری از انتشار کتاب آیات شیطانی استفاده خواهد کرد. فریادهای «مرگ بر رشدی» و «رشدی باید اعدام گردد» در هلند و تعداد دیگری از کشورهای غربی بلند شد و نشان از اعتراض آنها به این کتاب و حمایت از فتوای امام داشت.^۲

نکته مهم این است که اگر هدف امام خمینی تنها به درک واصل کردن سلمان رشدی بود می‌توانست این فتوا را علنی نکرده و در عین حال دستور این کار را به صورت غیر علنی صادر کند. اما امام ترجیح داد تا این فتوا به طور علنی منتشر شود. اینکه چرا امام مبادرت به انجام چنین تصمیمی کرد دقیقاً به همان موضوع بیداری جهان اسلام برمی‌گردد. امام به خوبی می‌دانستند که مسلماً این آخرین اقدام جهان غرب در مقابل قدرت روزافزون جهان اسلام نیست و یقیناً در آینده با موارد دیگری نیز روبه‌رو خواهند شد. بنابراین باید اقدامی صورت می‌گرفت تا غرب از مواضع خود عقب‌نشینی کرده و مجدداً به فکر اجرای طرح و برنامه‌ای شبیه آن نیفتد و از طرف دیگر، روح اسلام انقلابی و مبارزاتی نیز در کالبد مسلمانان دنیا زنده شود. این اقدام امام خمینی در حقیقت، حمله به عمق طرح‌ریزی استراتژیک غرب بود که در چند برهه دیگر نیز از سوی امام اتخاذ شد. این فتوا چنان لرزه‌ای بر پیکره دستگاه سیاستگذاری غرب انداخت که چاره‌ای نداشتند جز اینکه مانند همیشه دست به تحریم روابط دیپلماتیک با ایران بزنند؛ کما اینکه

۱. مریم غفاری جاهد، قضیه آیات شیطانی و فتوای تاریخی امام، سایت مرکز اسناد انقلاب اسلامی (www.irdc.ir)

۲. زهر رضایان، همان.



«بیداری مسلمانان» مسئله‌ای بود که همواره تمدن غرب از آن وحشت داشت و پریبراه نیست اگر بگوییم که وجه اصلی دشمنی تمدن غرب با انقلاب اسلامی به همین دلیل بوده است. آنها به خوبی دریافته بودند که انقلاب اسلامی به شرط تداوم خود، در مدت زمان کوتاهی می‌تواند مقدمات بیداری عالم اسلام و در مرتبه بعد بیداری مردم آزاده دنیا را فراهم کند

واکنش اتحادیه اروپا نسبت به فتوای صادره تصمیم و اقدام مشترکی در سه زمینه بود:

۱. احضار سفرای دولت‌های عضو تهران و کاهش سطح روابط دیپلماتیک با جمهوری اسلامی ایران
۲. لغو ملاقات و بازدید مقامات دو طرف در سطح وزیران و معاونان آنها
۳. تقلیل همکاری‌های اقتصادی و کاهش واردات کالا از ایران

پس از قطع روابط سیاسی ایران و انگلستان

در ۱۵ اسفند ۱۳۶۷ (۵ مارس ۱۹۸۹) دولت آلمان نیز در حمایت از انگلستان، اجرای موافقت‌نامه فرهنگی با ایران را که در آبان ۱۳۶۷ (نوامبر ۱۹۸۸) امضا شده بود، به حالت تعلیق در آورد. انگلستان می‌کوشید تا با توسعه مسئولیت حمایت از سلمان رشدی به بقیه کشورهای اروپایی به‌ویژه دو عضو مؤثر آن یعنی آلمان و فرانسه هم به اعمال محدودیت و فشار علیه ایران از سوی اتحادیه تأکید نماید و هم خود را یک‌جانبه در این مسئله درگیر نسازد. گرچه این حربه نیز مانند همیشه باعث سرافکنندگی و خواری طرف غربی شد و هنگامی که استقامت امام، مردم و حتی جهان اسلام بر این فتوا را دیدند سفرایشان که با هزار دبدبه و کبکبه از ایران رفته بودند، با هزاران هزار خواری و ذلت بازگشتند.^۱

اما بعد از انتشار این فتوای امام، عده‌ای در داخل و خارج که همیشه دایه مهربان‌تر از مادر هستند و کاتولیک‌تر از پاپ و البته حلقه به گوش اوامر سیاسیون غرب، عنوان کردند که اگر سلمان رشدی توبه کرده و به اشتباهی که مرتکب شده است اقرار کند، این حکم از او ساقط خواهد شد. اما چند روز بعد دفتر امام در جواب به این بحث انحرافی نیز اطلاعیه‌ای با این مضمون صادر کرد:

رسانه‌های گروهی استعماری خارجی به دروغ به مسئولین نظام جمهوری اسلامی نسبت می‌دهند که اگر نویسنده کتاب *آیات شیطانی* توبه کند حکم اعدام درباره او لغو می‌گردد. امام خمینی - مدظله -

۱. یحیی فوزی، *تحولات سیاسی اجتماعی بعد از انقلاب اسلامی در ایران*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام/عروج، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۲۰۵-۲۰۴.



اقدامات و حرکات کوچک و محدودی در واکنش به انتشار کتاب *آیات شیطانی* در برخی کشورهای اسلامی شکل گرفت اما فقدان وجود یک برنامه و راهبرد مشخص، فراگیر و کارآمد برای برانگیختگی و بیداری جهان اسلام و مسلمانان به خوبی حس می‌شد. در این میان امام خمینی به عنوان یک عالم هوشیار و با درایت و در قامت یک استراتژیست بزرگ جهان سیاست، دست به اقدامی بی سابقه زد. اقدامی که می‌توان گفت «باطل السحر» تمامی برنامه‌های طرح‌ریزی شده غرب و استکبار در این باره بود و موجب شد که این «تهدید» تبدیل به یک «فرصت» استثنائی برای جهان اسلام شود؛ فرصتی که از آن می‌توان به عنوان سرفصل جدیدی در موضوع «بیداری اسلامی» یاد کرد

فرمودند: این موضوع صد درصد تکذیب می‌گردد. سلمان رشدی اگر توبه کند و زاهد زمان هم گردد، بر هر مسلمان واجب است با جان و مال تمامی هم خود را به کار گیرد تا او را به درک واصل گرداند.

حضرت امام اضافه کردند: اگر غیر مسلمانی از مکان او مطلع گردد و قدرت این را داشته باشد تا سریع‌تر از مسلمانان او را اعدام کند، بر مسلمانان واجب است آنچه را که در قبال این عمل می‌خواهد به عنوان جایزه و یا مزد عمل به او بپردازند.^۱

استقامت و پافشاری بر حکم امام خمینی بعد از فوت ایشان توسط رهبر انقلاب نیز هم‌چنان پیگیری شد. فی‌المثل در ۵ دی‌ماه ۱۳۶۹ که عده‌ای باز هم می‌خواستند فتوای امام را ملغی کنند،

دفتر رهبر انقلاب پیامی به شرح ذیل صادر نمود:

با توجه به اخبار مربوط به تبری جستن سلمان رشدی مرتد از اهانت‌هایی که به پیامبر عظیم‌الشأن اسلام صلی الله علیه و آله و دیگر مقدسات اسلامی، در کتاب موهن *آیات شیطانی* شده است، دفتر مقام معظم رهبری در پاسخ به سؤالاتی که از سوی مسلمانان در این زمینه به عمل آمده است، اعلام داشت که: حضرت آیت‌الله خامنه‌ای مدظله‌العالی رهبر معظم انقلاب اسلامی فرمودند: حکم تاریخی و تغییرناپذیر حضرت امام رضوان الله تعالی علیه در مورد نویسنده کتاب کفرآمیز *آیات شیطانی* و تعهد مسلمانان در سراسر جهان به اجرای این حکم اسلامی، نخستین ثمرات خود را در صحنه رویارویی اسلام با کفر جهانی نشان می‌دهد و استکبار غرب که حمله به مقدسات یک میلیارد مسلمان جهان را مقدمه‌ای برای تحقیر مسلمین و از بین بردن

انگیزه‌های خیزش اسلامی در جهان قرار داده بود، به صورت مفتضحانه و گام به گام مجبور به عقب‌نشینی شده و انشاءالله با ادامه مقاومت مسلمانان جهان از این پس کسی جرئت اهانت به پیامبر معظم (ص) و مقدسات اسلامی را نخواهد یافت.

حکم اسلام در مورد نویسنده کتاب آیات شیطانی همان‌گونه که حضرت امام رضوان الله تعالی فرمودند: «اگر

توبه کند و زاهد زمان هم گردد» ثابت است و چنین تشبثاتی که با همیاری بعضی افراد به ظاهر مسلمان صورت می‌گیرد، تغییری در این حکم الهی نخواهد داد.^۱

چه کسانی مانع از تحقق حکم امام شدند؟

اما متأسفانه برخلاف پافشاری امام و رهبری بر ثابت بودن این حکم، عده‌ای از افراد چنانچه گفته شد در صدد خنثی کردن این حکم برآمدند. اینکه به تعبیر رهبر انقلاب، این «افراد به‌ظاهر مسلمان» چه کسانی بودند حداقل برای نگارنده مشخص نیست اما به یقین سیاست‌های دولت‌های سازندگی و به تبع آن دولت اصلاحات موجب امیدواری غرب به عدم اجرای حکم امام شد. این دولت‌ها چنان غرق در آداب و رسوم دنیای دیپلماسی و عرف دیپلماتیک شدند که برای کسب مثلاً وجهه و آبرو در میان دولتمردان غربی حاضر شدند یا حکم امام را نادیده بگیرند یا از آن عدول کنند. اوج این موضوع را می‌توانیم در اظهارات رئیس‌جمهور وقت دولت اصلاحات ایران، سید محمد خاتمی ملاحظه کنیم. خاتمی دقیقاً ده سال بعد از حکم امام در سفری که به ایالات متحده داشت، تاریخ مصرف حکم امام را تمام‌شده بیان کرد!

تیم دولت اصلاحات اعم از خاتمی و وزیر امور خارجه وقت ایران، سید کمال خرازی که در مهرماه سال ۷۷ برای شرکت در اجلاس سالانه سازمان ملل به ایالات متحده سفر کرده بود، درباره سلمان رشدی موضعی اتخاذ کرد که باعث خوشحالی سیاست‌مداران

۱. رک: پایگاه رسمی اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری (www.khamenei.ir).





امام به خوبی می دانستند که مسلماً این آخرین اقدام جهان غرب در مقابل قدرت روزافزون جهان اسلام نیست و یقیناً در آینده با موارد دیگری نیز روبه‌رو خواهند شد. بنابراین باید اقدامی صورت می گرفت تا غرب از مواضع خود عقب‌نشینی کرده و مجدداً به فکر اجرای طرح و برنامه‌ای شبیه آن نیفتد و از طرف دیگر، روح اسلام انقلابی و مبارزاتی نیز در کالبد مسلمانان دنیا زنده شود. این اقدام امام خمینی در حقیقت، حمله به عمق طرح ریزی استراتژیک غرب بود که در چند برهه دیگر نیز از سوی امام اتخاذ شد

غربی شده و در آن ایام با استقبال وسیع مطبوعات و نشریات امریکایی و اروپایی مواجه شد. برای مثال رادیو سی بی سی کانادا گزارش داد: خاتمی روز سه‌شنبه اعلام کرد که مسئله رشدی بایستی خاتمه یافته تلقی شود.

روزنامه گلوب/اندمیل نیز عنوان مطلب خود در این زمینه را چنین قرار داد که تهدید قتل سلمان رشدی ممکن است برداشته شود. گلوب ادامه داد: با وجود لحن آشتی جویانه خاتمی، روشن نیست که آیا این اظهارات نمایانگر تغییری واقعی در موضع گیری ایران در قبال فتوای قتل رشدی است یا خیر؟

گلوب به نقل از خاتمی افزود: ایران اکنون می‌خواهد از تصادم فرهنگی خود درباره رشدی که روابط جمهوری اسلامی و اروپا را مسموم ساخته است به سوی گفت‌وگوی میان تمدن‌ها حرکت کند.

این در حالی بود که انجمن قلم کانادا یکی از بزرگ‌ترین طرفداران سلمان رشدی بود و در سال ۱۹۹۲ اقدامات زیادی را در حمایت از رشدی انجام داد. در آن زمان حتی قرار بود رشدی نیز به کانادا سفر کند که هواپیمایی «بریتیش ایرویز» به دلایل امنیتی از پرواز دادن سلمان رشدی خودداری کرد.^۱

روزنامه فیگارو نیز همان ایام با انتشار عکس خاتمی در صفحه اول خود نوشت: خاتمی امید را به سلمان رشدی باز گرداند. به گزارش رادیو فرانسه در صفحه سوم این روزنامه، کلود لوریو تحت عنوان «خاتمی ماجرای رشدی را بایگانی کرد» نوشت: دولت خاتمی کسی را برای قتل سلمان رشدی اعزام نمی‌کند و سلمان رشدی با خوش بینی محتاطانه‌ای دیروز وزارت خارجه انگلستان را در لندن ترک کرد. ولی خاتمی نمی‌تواند مانع شود که یک متعصب مؤمن، ندای امام خمینی را به گوش جان نگیرد.^۲

بخش فارسی رادیو امریکا نیز آن روزها گزارش داد با اعلام آقای کمال خرازی مبنی بر

۱. تلکس ایرنا ویژه.

۲. همان.



اینکه دولت ایران از این پس با فتوایی که سلمان رشدی را تهدید به قتل می‌کرد ارتباطی نخواهد داشت و مطبوعات امریکا به شرح و تفسیر این اعلام نظر پرداختند.

این اعلام نظر آقای خرازی نه فقط شرح و تفسیرهای فراوان مطبوعات امریکا را باعث شد بلکه رضایت خاطر و تحسین سیاستمداران بزرگ جهان را جلب کرد؛ به خصوص که رئیس‌جمهوری ایران آقای سید محمد خاتمی نیز در ملاقات و گفت‌ووشنودی که با گروهی از ایرانیان مقیم امریکا در یکی از تالارهای سازمان ملل متحد در نیویورک داشت سخنان خرازی، وزیر امور خارجه ایران را تأیید کرد.

این رادیو افزود: دولت انگلیس رسماً به رشدی خبر داد و او را مطمئن ساخت که اظهارات مقامات ایرانی در مورد وی مستحکم و قابل اطمینان است؛ به طوری که رابین کوک وزیر امور خارجه این کشور اعلام رفع تهدید نسبت به جان رشدی را یک رویداد تاریخی نامید و متعاقب آن مناسبات سیاسی قطع شده خود را با ایران از سر گرفت.^۱ این در حالی بود که رادیو امریکا با وجود این نیز نتوانست عظمت و گستردگی تأثیر حکم امام را منکر شود و افزود: تهدیدی که بر اثر این فتوا نسبت به سلمان رشدی ایجاد شد همیشه تهدید واقعی محسوب می‌شود زیرا که در اثر آن چندین نفر در رابطه با کتاب افسانه‌ای *آیات شیطانی* کشته یا مجروح شدند. گرچه دولت ایران در هیچ یک از این قتل‌ها دست نداشته است.

روزنامه *دالاس مورنینگ نیوز* چاپ ایالت تگزاس نیز در این باره نوشت: زندان انفرادی، مرگ همیشه با سلمان رشدی همراه بود. هر جا که می‌رفت تهدید مرگ نیز با او بود. این نویسنده انگلیسی که به مدت ده سال مورد خطر مرگ قرار داشت ممکن است که از این پس بتواند بار دیگر آزاد زندگی کند.^۲

پیش‌بینی امام درست از آب درآمد

باری، ده سال بعد از انتشار فتوای امام، انگار پیش‌بینی آن بزرگ‌مرد تاریخ درست از آب درآمد. انگار خاتمی و تجدیدنظرطلبان همان‌گونه که امام پیش‌بینی کرده بود به بهانه پایبندی به اصول دیپلماتیک و لبخند رضایت سیاستمداران غرب از موضع امام عدول کردند. روح خدا در یکی از آخرین نامه‌های خویش این چنین نوشته بود:

... راستی به چه علت است که در پی اعلام حکم شرعی و اسلامی

۱. همان.

۲. همان.



مورد اتفاق همه علما در مورد یک مزدور بیگانه این قدر جهان خواران بر افروخته شدند و سران کفر و بازار مشترک و امثال آنان به تکاپو و تلاش مذبحخانه افتاده‌اند؟ غیر از این نیست که سران استکبار از قدرت برخوردار عملی مسلمانان در شناخت و مبارزه با توطئه‌های شوم آنان به هراس افتاده‌اند و اسلام امروز مسلمانان را یک مکتب بالنده و متحرک و پر حماسه می‌دانند و از اینکه فضای شرارت آنان محدود شده است و مزدبگیران آنان چون گذشته با اطمینان نمی‌توانند علیه مقدسات قلم‌فرسایی کنند مضطرب شده‌اند... خیلی جالب و شگفت‌انگیز است که این به ظاهر متمدنین و متفکرین وقتی یک نویسنده مزدور با نیش قلم زهرآگین خود احساسات بیش از یک میلیارد انسان مسلمان را جریحه‌دار می‌کند، عده‌ای در رابطه با آن شهید می‌شوند، برای ایشان مهم نیست و این فاجعه عین دموکراسی و تمدن است، اما وقتی بحث اجرای حکم و عدالت به میان می‌آید، نوحه رأفت و انسان‌دوستی سر می‌دهند. ما کینه دنیای غرب را با جهان اسلام و فقاقت از همین نکته‌ها به دست می‌آوریم. قضیه آنان قضیه دفاع از یک فرد نیست، قضیه حمایت از جریان ضد اسلامی و ضد ارزشی است که بنگاه‌های صهیونیستی و انگلیس و امریکا به راه انداخته‌اند و با حماقت و عجله خود را روبه‌روی همه جهان اسلام قرار داده‌اند... اگر غفلت کنیم این اول ماجراست و استعمار از این مارهای خطرناک و قلم‌به‌دستان اجیر شده در آستین فراوان دارد... ترس من این است که تحلیل‌گران امروز، ده سال دیگر بر کرسی قضاوت بنشینند و بگویند که باید دید فتوای اسلامی و حکم اعدام سلمان رشدی مطابق اصول و قوانین دیپلماسی بوده است یا خیر...^۱

گناه بزرگ خاتمی و تجدیدنظر طلبان

آری، گناه بزرگ خاتمی و گروه به‌ظاهر اصلاح‌طلبان به تعبیر رهبر انقلاب این است که باعث «امیدواری» دشمنان انقلاب و اسلام شدند. خاتمی با این سخنان خود موجب شد تا دشمنان نظام، به وجود صداهای موافق و همسو با خود در داخل ایران

۱. صحیفه/امام، همان، ص ۲۹۰-۲۹۰.

اما بعد از انتشار فتوای امام
در باره رشدی، عده‌ای در
داخل و خارج که همیشه
دایه مهربان‌تر از مادر هستند و
کاتولیک‌تر از پاپ و البته حلقه
به گوش او امر سیاسیون غرب،
عنوان کردند که اگر سلمان
رشدی توبه کرده و به اشتباهی
که مرتکب شده است اقرار
کند، حکم ارتداد از او ساقط
خواهد شد

امیدوار شوند. شاید اگر این سخنان و مواضع خاتمی
و تجدیدنظرطلبان نبود و دشمنان ناامید از پیاده‌نظام
خود در داخل کشور می‌شدند هرگز ماجراهایی
چون کوی دانشگاه ۷۸ و فتنه ۸۸ رخ نمی‌داد. شاید
اگر دولت مردان جمهوری اسلامی نیز مانند امام و
سیدنا القائد بر حکم اعدام سلمان رشدی پافشاری
کرده و در برابر زیاده‌خواهی‌های غرب عقب‌نشینی
نمی‌کردند هرگز کسی جرئت نمی‌کرد که روزی
مستند فتنه، یا کاریکاتور پیامبر اکرم (ص) و یا انواع و
اقسام توهین‌های دیگری که در سال‌های اخیر روانه
بازار شده را منتشر کند. یقیناً اگر اصلاح‌طلبان تجدیدنظرطلب، مانند مردم و رهبری
نظام بر سر فتوای امام استوار می‌ماندند، اتفاقاتی که امروزه در جهان تحت عنوان
«بیداری اسلامی» در حال جریان است، خیلی قبل‌تر از این اتفاق می‌افتاد.

